



نشریه خبری
سازمان مجاهدین خلق ایران

شماره ۲۰
اسفند ماه ۱۳۵۴

اخبار جنبش

✽ مشهد : اعدام انقلابی يك مزدور

در بهمن ماه امسال ، رفقای رزمنده سازمان چریکهای فدایی خلق ، يك ساواکی بنام " ناهیدی" را در مشهد اعدام کرده اند . این فرد بازجوی دانشجویان و بقولی معاون ساواک مشهد بوده است .

✽ قم :

در هفته دوم آذرماه ، يك رفیق مجاهد ، در حین سفر از قم به تهران ، در ابتدای جاده قم ، با دو تن از اقوام ساواکیش برخورد میکنند . ساواکیها تصمیم میگیرند رفیق را تحویل دهند و از اینرو نقشه ای میکشند تا رفیق را خام کنند . رفیق هشیارانه آنها را فریفته و از آنان قول میگیرد که اگر خودش را تسلیم نماید ، کارش را درست کنند .

پس از این قول و قرار ، رفیق و یکی از ساواکیها ، هر کدام با يك اتومبیل ، راهی تهران میشوند و ساواکی دیگر ، در قم باقی میماند . در اوایل راه ، فرد ساواکی خود را به ماشین رفیق رسانده و او را متوقف میکند و به وقت گذرانی میبرد از تانیرو از قم برسد . وی برای مشغول کردن رفیق ، طرز کار دنده های اتومبیل را - که متعلق به دربار بوده و تازه از بندر خرّمشهر تحویل گرفته شده بود - بوی یاد میدهد .

رفیق پس از آشنای شدن کامل با طرز کار دنده های ماشین ، با تسلیم يك گلوله در صخر ساواکی ، به زندگی کثیفش پایان داده و سپس با صادره اتومبیل ، فرار میکند .

■ تهران:

در ساعت ۴-۳ نیمه شب ۱۸/۲/۵۴، تعداد ۱۵-۱۴ اکیپ از مزدوران کمیته، یک خانه تیمی را در قطعه حسن خان (واقع در جنوب کاروانسرا سنگ) محاصره کرده و بلافاصله شروع به تیراندازی میکنند.

مأمورین تا روشن شدن هوا به شلیک ادامه میدهند و پس از آن مطمئن میشوند که کسی در خانه نیست، بنابراین داخل خانه شده، اثاثیه آنرا تخلیه و درب آنرا پلیم میکنند. مردم محل، عموماً از گفتگو با پلیس وحشت داشته و از همین رو از پاسخ به سئوالات آنها طفره میروند. اما یکی از اهالی ده به آنها می گوید که: "در این خانه دو زن و دو مرد ساکن بوده اند که دیروز به مشهد رفته اند."

مأمورین کدخد او پسرش را که گویا این افراد را میشناخته اند، با وده پاداش، همراه خود میبرند تا شاید بکام آنها بتوانند انقلابیون را پیدا کنند.

پس از این واقعه تا مدتی بکمی حکومت نظامی در این منطقه برقرار بوده و رفت و آمدها کنترل میشده و تعدادی از خانه ها نیز در معرض بازرسی ساواک قرار گرفته است.

بدنبال این واقعه، واند امری از کمیته صاحب خانه های روستاهای کارگری واقع در کاروانسرا سنگ، (قطعه حسن خان - ورد آورد - کاروسیه) خواسته است تا یک برگ رونوشت یا فتوکپی شناسنامه و یک قطعه عکس از مستاجرین خود، تحویل دهند.

زندانها

■ اخیراً رژیم از آزاد کردن زندانیان سیاسی که محکومیتی برابر دو سال و بیشتر، داشته و دوران محکومیتشان سپری شده است، خود داری میکنند. و بهوض آزادی آنها را از زندانهای عمومی به سلولهای زندان کمیته منتقل نموده و مدتی بعد دوباره به زندان عمومی باز میگرداند.

زندانیهائی که محکومیتی کمتر از دو سال دارند، پس از آزادی برای مدتی در حدود ۵ سال از تمام حقوق و مزایای قانونی محروم میشوند و همچنین بجای برگ معافیت از سربازی، برگ عدم

علاوه بر همه اینها، ساواک مدتی پس از آزادی آنها را دوباره فراخوانده و نخست "تعهد عدم فعالیت سیاسی" از آنها میگیرد و در مرتبه بعد، آنها را به همکاری دعوت کرده و میخواهد که هرچه میبینند و میشنوند، گزارش دهند. این اقدامات رژیم که در رابطه با پیوستن مجدد زندانیان آزاد شده به صفوف مبارزه مسلحانه، صورت میگیرد، نشان میدهد که رژیم از این مسئله شدیداً ترسیده و در تلاش آنست که زندانیان سیاسی را با دسارتنگاههایش نگه دارد و نابود نکند، و یا اینکه منفعل نموده و در صورت امکان، همکاری آنان را جلب کند.

✽ قریب ۲۵۰ نفر از زندانیان سیاسی که مدت محکومیتان پایان یافته است، هنوز در زندان قصر بسر میبرند. بسیاری از این قبیل زندانیان نیز مجدداً به اوین منتقل شده اند.

✽ طبق يك خبر موثق:

مزدوران رژیم خائن شاه از دیماه ۵۴، محکومین به حبس ابد و انقلابیون رزمنده و مقاوم را هر ریز در زندان کمیته کتک می زنند و برای این افراد "جیره" - کتک معینی در ریز قرار داده اند. بنظر میرسد که ساواک از این رفتارها چیز مهمی میخواهد که هنوز دقیقاً روشن نیست. همچنین احتمال دارد که این رفتارها برای همکاریهای مختلف، تحت شکنجه قرار داده باشند.

✽ طبق اخبار رسیده از زندان کمیته، رفیق بتول فقیه دزفولی را - که در جریان محاصره يك خانه تپي در مشهد مجروح و دستگیر شده است - شدیداً تحت شکنجه و فشار قرار میدهند تا تن بخیاقت بدهد. در این رابطه، برادر خائن او، خلیل دزفولی، هر ریز طبق برنامه او را نصیحت و ترفیب میکند تا خیاقت نموده و حاضر شود طی مباحثه ای، باوه های سازمان اخیت را تکرار کرده و بگوید که در خانه های تپي سازمان، بین رفقای دختر و پسر روابط نامشروع برقرار است و نیز اعتراف کند که گول خورده و اکنون پشیمان است.

اما رفیق بتول تا کنون دلورانه مقاومت کرده و حاضر نشده است، همچون خلیل کتک، تن به خیاقت بدهد. او در نخستین برخوردش با خلیل وقتی حرفها و نصایح (!) او را مبنی بر قبول اعترافات تنگین، می شنود، نفسی بهورتش انداخته و از آن پس هم جز

شماره ۲۰ _____ نشریه خبری مجاهدین _____ صفحه ۴

سکوت در مقابل او ، عکس العملی نشان نداده است .

رفیق بتول را هر بار پس از آنکه برادر خانش با او صحبت کرده و نتیجه نمیگردد ، شدیداً شکنجه می کنند .

او در زندان کمیته در حالیکه تمام پشت بدن او سوزانده شده بود ، دیده شده است .

دستگیری ها

✽ سازمان امنیت ، آیت الله سید محمود طالقانی را پس از آنکه چند ماه در سیاهچال نگهداشته ، اخیراً تبعید نموده است . تبعید گاه ایشان احتمالاً شهر گناباد است .

✽ تهران

در هفته اول شهریور ماه ، خانم دستغیب ، مدیر دبیرستان دخترانه دکتر مسر زاده را دستگیر کرده اند . همسر وی ، دکتر اسدی لاری ، دبیر دبیرستان مروی تهران نیز از مهرماه ۵۴ ، در زندان بسر میبرد .

✽ تهران

پس از دستگیری مجاهد شهید ، رفیق محسن خاموشی ، دو اکیپ از مأمورین کمیته بمنزل او میروند . فرمانده اکیپ ها ، همایون بهزادی - فوتبالیست معروف - بوده است . وی به همراه شش مأمور دیگر ، در کمال خشونت به بازرسی خانه میبرد ازب تا آنجا که حتی کوسه برنج را از آشپزخانه به حیاط آورده و بدون توجه به اعتراض زنهای خانه ، بر زمین میریزد و در همین حال فریاد کنان می گوید : " نصیحت من به این فرد که مهربانهای سلطنت را کشته است . چه بگم ؟ حیوان بگم ؟ یا بگو بگم ؟ "

مسز دوران کمیته ، بدون آنکه از این بازرسی چیزی بدست آورده باشند ، برادر رفیق شهید ، محسن خاموشی را همراه خود میبرند . در هنگام خروجشان از خانه ، همسایه ها در کرچه گرد آمده بودند و یکی از زنها میگوید : " آقای بهزادی حیف شما نبود که اینهمه محبوسیت و معروفیت خود را با رفتن نوی اینکار ، خراب کردید ؟ " و بهزادی مثل حیوان زخم خورده ، با گفتن " خفه شو " راه خود را می کند و می رود .

شماره ۲۰ _____ نشریه خبری مجاهدین _____ صفحه ۵

■ در هفته دوم آذرماه، مادر و برادر مجاهد شهید، رفیق محسن خاموشی را دستگیر کرده‌اند.

■ در هفته اول آذرماه، دکتر صادقی (پزشک عمومی) و همسرش، دستگیر شده‌اند. هم‌چنین علی محمد موحدی، برادر زن دکتر صادقی و رئیس بانک پارس شعبه فردوسی نیز دستگیر شده‌است.

■ همایش‌نشریه

در نیمه اول اردیبهشت ماه، حدود هفت نفر که فعالیت سیاسی می‌کردند دستگیر شده‌اند. این عده عموماً دانش‌آموز یا کارگر بوده و یک نفرشان نیز دانشجو بوده‌است.

■ در تاریخ ۲۲/۲/۵۴، سید احمد سید محمودی، دانشجوی سال سوم دانشسرای عالی را با تلافی ۱۱ - ۱۰ نفر از رفقای دستگیر کرده‌اند.

■ قزوين: كشف و دستگيرى يك گروه

چند ماه پیش، محظی در قزوين که صیغواسته است دست به فعالیت سیاسی - نظامی بزند، لو رفته و افراد آن دستگیر شده‌اند. امای برخی از افراد این گروه از اینقرار است:

۱- مهدی حاج فتحعلی (کارمند بانک صادرات)

۲- محمد نورانی (کارمند شرکت تعاونی شهر و روستا)

۳- سید رحیم حاج سید جوادی (دیپلم)

۴- مجتبی حسینی (دانشجوی مدرسه عالی اقتصاد قزوين)

۵- احمد حقیقت‌جو (دانشجوی سال دوم اقتصاد)

۶- خداوردی (دانشجوی سال سوم اقتصاد)

۷- سید کریم حاج سید جوادی

۸- اسطغیالی (دیپلم)

۹- ناصر جباری

همچنین عده‌ای از کارمندان شرکت عمران دشت قزوين، جزو دستگیر شدگان هستند. افراد این گروه، همگی یک‌بیکر را می‌شناخته و باهم دوست بوده‌اند، و در اثر بی‌تجربگی، صرفاً بر پایه دوستی گذشته، یکدیگر اعتماد داشتند. یکروز که برای نهار به یک باغ

شماره ۲۰ _____ نشریه خبری مجاهدین _____ صفحه ۶

رفته بودند. ضمن صحبت‌های سیاسی معمولشان که همواره بوی مبارزه جوفی داشته است - تصمیم میگیرند که اقداماتی در جهت تشکیل یک گروه سیاسی - نظامی. صورت دهند. تا آنجا که اطلاع داریم، یکی از افراد گروه (مهدی حاج فتحعلی) تقبیل می‌کند که اسلحه در اختیار گروه بگذارد. البته اسلحه مورد نظر او، یک اسلحه کهنه و بدرند نخبر بوده، لیکن افراد گروه فکر می‌کنند که وی میتواند اسلحه زیادی در اختیار آنها بگذارد. در میان افراد این محفل یک نفر ساواکی بوده است که جریان را به ساواک گزارش می‌دهد.

ساواک که در شناسایی گروهها نسبت به صلح بودن آنها یا تماسشان با گروههای صلح، بسیار حساس است. بهرعت شروع به شناسایی افراد گروه کرده و پس از دو هفته همه آنها را دستگیر می‌کند.

پس از دستگیری حاج فتحعلی و لورفتن محل اسلحه، مأمورین ساواک به خانه او میآیند و همه جا را می‌گردند لیکن مادرش با هوشیاری، اسلحه را برداشته و در پلاستیکی پیچیده و در چاه می‌اندازد. مأمورین بدون یافتن اسلحه، باز میگردند و بار دیگر همراه حاج فتحعلی به خانه وی میآیند. او وقتی اسلحه را نمی‌یابد، بهادرش اصرار میبزند که اگر آنرا برداشته است، بگوید. ولی مادرش انکار میکند. سپس حاج فتحعلی بپنهانی با مادرش صحبت کرده و قضیه لورفتن اسلحه را توسط گروه میگوید و مجددا اصرار میکند که مادرش محل اسلحه را بگوید زیرا چاره دیگری نیست. آنگاه مادرش مجبیل اسلحه را گفته و یک مقی میآوردند تا آنرا از چاه خارج کنند. پس از این جریان فروشنده اسلحه، در سیستان و بلوچستان نیز لو رفته و گویا در هنگام دستگیری وی، زد و خوردی میان او و مأمورین ژاندارمری و ساواک، روی داده است.

خفتان و سرکسوب

■ مشهد :

پس از علیات و درگیریهای متعددی که مردادماه امسال، میان انقلابیون و پلیس مزدور، در مشهد، روی داد، جو شهر، کاملاً پلیسی شده است. مزدوران رژیم مرتباً در نقاط مختلف شهر، راه بندان نموده و افراد و اتومبیلها را تحت بازرسی قرار میدهند.

شماره ۲۰ ————— نشریه خبری مجاهدین ————— صفحه ۷

شبها نیز از ساعت ۱۱ به بعد، مأمورین گشتی، شهر را بشدت کنترل مینمایند. پلیس تا کنون در بخشهای مختلفی از شهر، منجمله در منطقه راه آهن، خیابان پیر نیا، کوی طلاب و..... دست به خانه‌گردی زده است و معمولاً نیز برای توجیه اقدام خویش، به مردم میگوید: "دو چریک فرار کرده‌اند، ممکنست در خانه شما باشند."

همچنین روز ۱۲ شهریور ماه در خیابان سی متری دوم احمد آباد (در مورد يك چهار راه) دست به خانه گردی زده و باز مردم می‌گفتند: "دو چریک فرار کرده‌اند.....".
صبح همین روز نیز مأمورین امنیتی و پلیس با لباس شخصی، در کوی طلاب از رهگذران و مخصوصاً موتور سواران، کارت شناسایی تقاضا میکردند.

■ مشهد:

در بهارستان سوانح مشهد، بخش مخصوصی بنام "بخش پلیس" دایر شده‌است. هدف از تشکیل این بخش، اولاً معالجه سریع انقلابیون زخمی شده در درگیریها (تا بتوانند زودتر آنها را زیر شکنجه بکشند) و ثانیاً جلوگیری از برخورد مردم با انقلابیون مجروح در بهارستان میباشد.

رئیس "بخش پلیس" افسریمت بنام "مبصری" و دو زن ساواکی نیز جزو کادر سوانح هستند. علاوه بر این، جو بهارستان سوانح مشهد ششدها پلیسی شده و در کادر اجرایی و بخش اطلاعات و دیگر قسمتهای آن، عناصر پلیس پنجم می‌خورند.

■ اصفهان:

در اوائل مردادماه سال جاری، پلیس منطقه جیزدان - پشت بهارستان ثریا - را خانه گردی نموده است. این محل، منطقه‌ای نسبتاً توده‌ای بوده و عده‌ای از معادون عراقی نیز در آنجا زندگی می‌کنند. شیوه‌های گشت و ترکیب افراد گشتی، کاملاً شبیه تهران بوده است.

چند روز پس از این واقعه نیز منطقه دیگری در خیابان کوش اصفهان، خانه گردی شده است.

■ تهران:

اوائل مردادماه حوالی ساعت يك بعد از نیمه شب، مزدوران امنیتی، آپارتمانهای بانک رهئی - واقع در شمال خیابان غیثی - را مورد بازرسی قرار داده‌اند.

در این بازرسی، ابتدا افراد گارد شهرستانی مجهز به تفنگهای دوپن (G3M1) و بی سهم، ساختمانها را محاصره نموده و بر بالای آپارتمانها موضع گرفتند. در جلوی هر بلوک نیز یک تاکسی و یک آمبولانس بحال آماده باش ایستاده و سپس مأمورین مسئول بازرسی که لباس شخصی پوشیده بودند، در یک زمان وارد بلوکها شدند.

مأمورین در جستجویشان بیشتر بدنبال افراد میگشتند و بدین جهت کارتهای شنا- سالی افراد را مورد بررسی قرار داده و حتی اگر احیاناً یکی از افراد خانواده، خوابیده بود، بیدارش نموده و مشخصات وی را میپرسیدند. مأمورین در مورد علت خانه گری مردم میگفتند: " بدنبال چند خرابکار هستیم که در این ساختمانها زندگی می کنند."

گفته میشود در این خانه گری، قریب ۱۰۰۰ مأمور شرکت داشته و از بلوک ۲، دو نفر را همراه چند بسته (احیاناً کتاب بوده است)، با خود برده اند.

اخبار ملی

■ تهران:

تضیقات و فشارهای رژیم بر اهالی مناطق فقیر نشین تهران در امر خانه سازی، تا کنون در موارد متعددی به مقاومت های جمعی و خونین مردم در برابر مزدوران دشمن، انجامیده است.

در نشریه خبری شماره ۱۹، اخباری از مقاومت های مردم شمیران نورا در برابر مأموران سرکوب رژیم، درج کرده بودیم؛ که آخرین خبر، مربوط به مقاومت خونین مردم در تاریخ ۵۴/۸/۱۸ بود که به کشته شدن یکی از اهالی انجامید. بدنبال این زد و خورد، در اواخر آبانماه سال جاری، زد و خورد دیگری در این منطقه میان مردم و مأموران رژیم روی داده که به کشته شدن سه تن و مجروح شدن تعداد زیادی از اهالی و دستگیری ۱۶ نفر دیگر از آنها، انجامیده است.

زمینهای این منطقه دو قسمت است. یک قسمت، زمینهای سندداری است که اجازه ساختمان دارند، و قسمت دیگر، زمینهای اوقاف می باشد.

اهالی فقیر محل، در زمینهای اوقاف، خانه های کوچک آلونکمانندی ساخته اند

شماره ۲۰ ————— نشره خبری مجاهدین ————— صفحه ۱
که بسختی منکبت در آنها زندگی کرد. تا کنون همواره این آلونک‌ها در معرض هجوم
بولدوزرهای ویرانگر ریزم بوده است. اما در آخرین برخورد که در اواخر آبانماه روی داد،
برخی از خانه‌های قسمت اول نیز مورد حمله قرار گرفته بود.

آنچه در این برخورد شایان اهمیت است. شکل برخورد اهالی با مأمورین ریزم است.
مردم محل که برای این برخورد آمادگی قبلی داشتند، با چوب و سنگ و آنچه بدستشان
میرسید، تا آخرین لحظه مقاومت میکردند. و از همین رو نیز سه تن از آنها بدست
مزدوران دشمن بقتل رسیدند.

فردی که از این جریان مطلع بود میگفت: " آنها می‌گویند خانه‌های گارد نزدیک این
محل است. لذا کسی نباید اینجا ساختمان بسازد" و سپس ادامه میداد: " باها شما که بهمسه
چیز مجهزین، یکدفعه همه را بسمل بسندین و خیال خودتان را راحت کنید! آخر از
چون این مردم بدبخت چه میخواهید."

در رابطه با این زد و خورد، ریز سه شنبه ۲۷/۸/۵۴، در دانشکده علم و صنعت
اعلامیه‌ای پخش شده است. این اعلامیه ضمن اشاره به واقعه شامیران نو و کشته و
مجروح شدن گروهی از مردم و دستگیری عده دیگری از آنها، از دانشجویان تقاضا
کرده است که بعنوان همبستگی با مردم شامیران نو و حمایت از آنها، اعتصاب کنند. اما
در ریز مقرر، بعلت کنترل شدید پلیسی و آمادگی کامل مزدوران گارد، اعتصاب صورت نگرفت.

■ تهران:

در اواسط آبانماه، زد و خورد خونینی میان چادر نشینهای خیابان ضحور (اواقل
جاده شهر ری) و مزدوران ریزم، بر سر تصاحب خانه‌هایی که ریزم ظاهراً برای چادر نشینها
ساخته، روی داده است.

در این جریان، چادر نشینها که از فشار عمل ریزم و شرایط تحمل ناپذیر زندگی
در چادر، به تنگ آمده بودند، با چوب دستی جلوی اتوبوسها را گرفته و میگفتند:
" چرا پدای ما نی رسیده؟" و در همین حال به ماشینهای شهرداری و ارتش حمله نموده و
شیشه‌های آنها را خرد میکردند. در این موقع زاندارمهای منطقه به آنان حمله می‌کنند.
اما بر اثر مقاومت خشمگینانه مردم، مجبور بفرار میشوند. سپس چادر نشینان فرماندهان

شماره ۲۰ ————— نشریه خبری مجاهدین ————— صفحه ۱۰
واندازمها را که يك سرگرد و دو افسر بودند . بهاد كتك ميگيرند ، مزدوران دشمن با بي سيم
جريان را بهراکز خود اطلاع داده و اندكي بعد دو كاميون كومانده مجهز به تفنگهاي [M1] ب مردم
حمله ور شده و چوپدستهايشان را گرفته و با قداي تفنگ آنان را مفروب و مجروح مي-
سازند . مأموران پليس در اين زد و خورد اجازه قتل چادر نشينان را داشته و از اينرو آنها
را تا دم مرگ كتك ميزند و كمانيرا كه در خانه هاي ساخته شده ساكن شده بودند ،
بيرون ميكنند . عده اي از چادر نشينها ميگفتند : " اين خانه ها را براي ما ساخته اند ،
اما حالا ميخواهند ۶۰ هزار تومان از ما بگيرند ، ۶ هزار تومان نقد و بقيه راهم در ۱۵
سال ، اما ما از كجا پول داريم كه بدهيم ؟ "

■ تبريز :

طبق خبر كيهان ، در اوائل آور ماه ، ۳۴ نفر از اهالي ايلخچي (شهرياران) باتهام
احتكار پياز و اخلال در نظم ، تحت تعقيب مقامات قضائي قرار گرفته . و از آن ميان ۸
نفر به حبس و پرداخت جريره هاي سنگين ، محكوم شده اند .

ما در اينجا قسمتهائي از شرح اين جريان را بنقل از افرادی که در جريان آن بوده اند ،

ميسوريم :

يك بازاری ، " در ايلخچي مأمورين دادگاه صئفي به انبارها رخته و ميخواستند استه اند
كشاورزان را مجبور به فروش پيازهايشان به شركت معاملات خارجي ، با نرخ دلخواه شركت بكنند ،
از اينرو كمانيرا كه پياز داشته اند ، با زور به بخشداري ميبرند . اين افراد يك نفر را
براي مطلع ساختن اهالي ميفرستند . بدينطريق مردم سررعا از جريان آگاه ميشوند .
ظاهرا مردم و بويژه زنان بعضي اطلاع از اين مسئله به بخشداري رخته و بخشدار را
بسختي كتك ميزند . مردم ميگفتند : " با دست خود تخم بهاشيم . با دست خود پيازها
را از خاك بگشيم و در آخر در اختيار شركت معاملات خارجي بگذاريم ؟! "

يك كارگر " كشاورزان حاضر بفروش محصولات خود به شركت معاملات خارجي نبوده و ميگفتند
كه پيازها محصول خودمان است و مختاريم بهركن كه دلمان مي خواهد بفروشيم ولي رژيم به
زور متوسل شده ، پيازها را از انبارها در آورده و محصول افراد مختلف را كه از نظر مقدار
باهم متفاوت است رو بهم ميبرند . اين زورگوشيها باعث تشديد نارضايتي مردم شده و به مقاومت
مردم و زد و خورد با مأمورين ميانجامد . در جريان زد و خورد عده اي از مردم (۲۰ نفر)
دستگير ميشوند . يكي از اهالي كه به اتهام احتكار دستگير شده بود ، در هنگام انتقال

شماره ۲۰ ————— نشریه خبری مجاهدین ————— صفحه ۱۱
به پاسگاه وندامری زیر و انت باری رفته و کشته میشود. "جرم" این فرد تنها آن بود که ۳۳
گونی پیساز داشته است. مأموران چنان وحشیانه رفتار کرده بودند که مردم میترسیدند
از خانه بیرون بیایند و جسد او را بردارند. حتی چکهای مربوطه به پیاها را، زنها از شرکت
معاملات خارجی دریافت میکردند و مردها از خانه بیرون نمی آمدند."

در پایان این خبر، خلاصه آنرا از روزنامه رستاخیز نقل میکنیم: "منوچهری،
رئیس دادگاه ویژه سپاه گرانفروشی تبریز که برای رسیدگی به احتکار و تحریک به منطقه
ایلخچی - خسرو شاه رفته بود، تا نیمه های شب به پرونده رسیدگی میکرد تا اینکه
محتکرین اصلی را به شرح زیر به زندان محکوم نموده است. ۵ نفر به ۸۵ تا ۱۱۱ روز زندان و
۳ نفر به پرداخت جریمه نقدی محکوم شدند که هر سه به علت عدم پرداخت جریمه، عازم
زندان شدند. همچنین یکی از محتکرین نیز در شب در راه انتقال به پاسگاه وندامری
ایلخچی، با وانت باری در جاده برخورد کرد و کشته شد."

تا ظهر امروز (چهارشنبه) از پیازهای خریداری شده برای شرکت معاملات خارجی
تهران ۵۰ تن با کامیون بتهران حمل گردید و حمل بقیه بتدریج ادامه دارد. مقامات
فرمانداری تبریز اعلام کرده اند که پیازهای موجود در انبار ایلخچی و خسرو شاه و بخش
اسکو بحدی زیاد است که میتواند صرفی کلی شهر تهران را تأمین کند....."

اخبار رژیم

« يك سروان ارتش بنام "جنابی" برای انجام مأموریتی بندت چهار سال، به پاکستان اعزام میشود.
اما در اوائل مهرماه ۴۵ که هنوز بیش از چهار ماه از مأموریت او نگذشته بود. به خانواده اش
اطلاع میدهند که سروان جنابی را در پاکستان رطیل زده و در بیمارستان درگذشته است.
سهس جنازش را مهرو موم کرده به تهران می آورند لیکن به خانواده اش تحویل نمیدهند و تنها به
آنها اجازه میدهند که در مراسم دفن وی در بهشت زهراء شرکت کنند.

طیروم ادعای رژیم، همسر و اقوام این افسر می گفته اند: "جنابی را کونیستها در
پاکستان کشته اند". فرد دیگری در تأیید این خبر میگفت: "آنها در این مأموریت ۱۵ نفر
بوده اند و معلوم نیست بقیه ۱۵ نفر هم کشته شده اند یا نه!"

■ طبق يك خبر نيمه موثق ، در ديهام اسال ، قریب چهل تن از امرا' ارتش و افسران ارتش (سرلشکر - سرتیپ - سرهنگ) خلع درجه شده اند . این تصفیه که در میان کادرهای ارتش با "موج ریزش" (ریزش درجات) شهرت یافته، به علت ضعف کارآئی قوای ارتش در جنگ با انقلابیون عمان صورت گرفته است .

این خبر نشان میدهد که رژیم پس از پیروزیهایش در جنگ ظفار که برای او يك موفقیت بزرگ در سطح منطقه، بشمار می رود ، به جمع بندی نواقص درون ارتش پرداخته است . رژیم در روزهای اوج جنگ ، طیفم آگاهی از بعضی نارسانیهای ارتش تجاوزگرسش از اقدامات حاد و تصفیه ، خودداری نمود تا بدینوسیله یکپارچگی ارتش را حفظ نموده و از بروز و پخش شایعاتیکه به ضعف روحیه کادرهای ارتش میانجامد ، جلوگیری کند .

■ طبق يك خبر نيمه موثق دیگر در حوالی بی ماه اسال يك گروه سیاسی مخفی مرکب از افسران جز' و چند غیر نظامی لو رفته اند . در بین اعضای گروه يك سرکرد وجود دارد که شرکت تجاری داشته، همسر و منشی شرکت او را نیز به اتهام همکاری با وی دستگیر و تحت شکنجه قرار داده اند .

■ ارتش و اعتلا' جنبش مسلحانه خلق

همزمان با رشد و گسترش روز افزون مبارزه مسلحانه در مهبین ما ، رژیم شاه خائن، با آگاهی از ضربه پذیری ارتش ضد خلقی اش، از یکسو فعالیت شدیدی را برای بالا بردن دید کادرهای ارتش نسبت بمسائل اطلاعاتی و امنیتی تقاضا کرده است و از سوی دیگر به اقدامات شدید و پیشگیرانه امنیتی، در درون ارتش، دست زده است . در اینجا ما نمونه هایی از این اقدامات را ذکر میکنیم :

بمنظور جلوگیری از نفوذ عناصر انقلابی به پادگانها ، طی نامه "خیلی محرمانه" ای ، دستورات زیر بکلیه پادگانهای کشور، ابلاغ شده است .

۱- هر خودرویی که وارد پادگان میشود تا محل تخلیه ، اسکورت شود و مسیر آن نیز از کنار نقاط حساس نباشد .

۲- در جلوی درب انتظامات حتما از عناصر باهوش و ورزیده استفاده شود .

۳- برای ورود و خروج افراد مجاز به پادگان ، کارت مخصوص به آنها داده شود .

- ۴- کارگرانی که در پادگانها بکار مشغولند، کنترل شوند.
- ۵- در مواقع غیر خدمت، تمامی خودروها کنترل شوند.
- ۶- بهر مورد مشکوکی که برخورد شد، فوراً گزارش گردد.

✽ اوائل شهریورماه امسال، در پادگانها و کلانتریها، افراد را جمع کرده و در باره "چریکها" و طرز زندگیشان سخنرانی نموده و توضیحاتی برایشان داده اند.

✽ رژیم در پادگانها برای افسران و درجه داران فیلم های اطلاعاتی نمایش میدهد تا دید "امنیتی" آنها را بالا ببرد. سعی دشمن براینست که حتی اطلاعات ساده پادگان نیز بخارج منتقل نشود.

✽ در لشکر ۷۷ (مشهد) کلاسهای مخصوص آموزش ضد چریکی دائر شده، در این کلاسها، فیلم و اسلاید درباره نحوه زندگی انقلابیون نمایش میدهند و از افراد خواسته شده است که در صورت برخورد با عناصر مشکوک، با پلیس تماس بگیرند. همچنین به آنها توصیه شده است که از اجاره دادن خانه به افراد جوان و مجرد خود داری کنند و گفته شده است که این افراد قصد نفوذ در ارتش را دارند."

✽ در مشهد، راننده های امرای ارتش و افسران عالیرتبه را گرد آورده و طی يك سخنرانی به آنها گوشزد کرده اند که در هنگام رانندگی، مراقب خودشان بوده و پشت سرشان را کنترل کنند تا تعقیب نشوند. همچنین در پادگانها به کلبه رانندگان ارتش تأکید شده است که هنگام حرکت در شهر، کاملاً مراقب باشند زیرا ممکنست مورد تعقیب چریکها واقع شوند.

✽ طی نامه "خیلی محرمانه" ای که در میان برخی از مقامات مسئول ارتش توزیع شده است، از آنها خواسته شده که از دادن آدرس خود و پرسنل حماس بد یکران خود داری کنند و برای تأکید روی لزوم اجرای این دستور، تجربه نامشخصی نمونه وار ذکر شده است که از اینقرار است :

"مادر یکی از خرابکاران زندانی، آدرس افسری را که شغل حساسی داشته است، بدست آورده و جهت آزادی پسرش به خانه وی مراجعه مینماید. سپس در ملاقاتی که با پسرش در زندان داشته است، آدرس آن افسر را می گوید. خرابکار آن آدرس را برای دوستان خود در خارج از

زند ان میفرستد و در نتیجه افسر مزبور، بقتل میرسد.

■ رژیم برای تأمین کادر درجه داری و افسری ارتش، شیوه های جدید در پیش گرفته است. طبق اظهار یک افسر، ارتش در روستاها - بخصوص روستاهای دور دست که وضع اقتصادی بدی دارند - از دانش آموزان سال ششم دبستان ثبت نام نموده و در ازای پرداخت ماهیانه به آنان، تعهد میگیرد که دوران دبیرستان را تا سال پنجم، در دبیرستانهایی که تحت نظارت مستقیم ارتش اداره میشود، بگذرانند. پس از این دوره آنها با درجه گروهبانی بخدمت ارتش گمارده میشوند و تا ۳ سال بعد، حق ادامه تحصیل و اخذ دیپلم را ندارند. همچنین برای تکمیل کادر افسری، از دانش آموزان کلاس نهم ثبت نام نموده و آنها را در یک موسسه شبانه ریزی بنام کانون جوانان، بمدت هفت سال تحت تعلیم قرار میدهد.

■ ارتشبد ایسی، فرمانده نیروی زمینی، طی یک سخنرانی برای افسرانی که در دانشگاهها تحصیل میکنند، ضمن اشاره به موقعیت حماس آنها در دانشگاه، یاد آور می شود که باید در برقراری امنیت و مبارزه با عوامل خرابکار و دانشجویان مخالف دولت، صمیمانه همکاری نموده و ضمن گزارش نمودن اخبار دانشگاه، همواره بعنوان مدافعین دولت در دانشگاه عرض اندام کنند.

■ طی نامه "محرمانه" ای، به کادرهای ارتش اخطار شده است که بدون اجازه قلی، حق تماس با خارجیان و دریافت هیچگونه هدیه و کادو از آنها را ندارند.

■ طی نامه های "خلی محرمانه" دیگری بهمه نظامیان اعلام شده است که: هرگاه در میان بستگان آنها، کسانی از نظر سیاسی تحت تعقیب بوده، یا به "خرابکاران" پیوسته باشند، بایست به ضد اطلاعات ارتش اطلاع دهند.

هرگاه وجود یکی از عناصر "خرابکار" را در حسابی خود یا هر جای دیگر گزارش دهند، مورد تشویق واقع شده و ده هزار تومان پاداش دریافت خواهند کرد.

■ "نیروی پایداری طی" فعالیتهای شدیدی را برای آموزش نظامی کارمندان، دانش آموزان و... آغاز کرده و طرح وسیعی در دست اجرا دارد. گوشه هایی از این اقدامات از این قرار است:
کارمندان کارخانه های مختلف، طی یک دوره باز آموزی ۲۰ روزه، آموزش نظامی دیدماند.

در خردادماه اسما، تعدادی از کارمندان جوان وزارت دارائی جهت آموزش "دفاع طی" به اردوگاه لشکرک اعزام شده اند. دوره آموزش آنها ۱۵ روزه بطول انجامیده و طی این مدت، طرز کار با سلاح و نارنجک و نحوه مقابله با حملات هوایی و آتش سوزی و سوانح دیگر را به آنها، آموزش داده اند و در آخر، از آنها تعهد گرفته اند که در مواقع لزوم برای "دفاع از ملکت"، از انجام مسئولیتهای محوله، استقبال نمایند.

■ در اوائل اردیبهشت ماه، در برخی دبیرستان های تهران آگهی شده بود که هرکس تمایل به عضویت در "نیروی پایداری طی" را دارد، میتواند ثبت نام نماید. داوطلبان در دو ماهه تیسرو مرداد، در پادگان پانشاه، مهمان ارتش بوده و تعلیمات نظامی خواهند دید. همچنین داوطلبان میتوانند این دو ماه را بطور شبانه ریزی در پادگان بسر برده یا شبها به خانه های خویش برگردند. داوطلبان از امتیازات و تسهیلات قابل توجهی در جهت استخدام در دوایر دولتی، یا سفر بخارج بمنظور ادامه تحصیل و... برخوردار خواهند بود.

■ برای رانندگان سازمانها و دوائر دولتی نیز آموزشهای نظامی در نظر گرفته شده و در دست اجراء است. از جمله در آذرماه و دیماه سال جاری، قریب ۲۵۰ نفر از قسمت تعمیرگاه شرکت واحد، طی یک دوره یک ماهه، آموزش تیسراندازی و مقابله با خطرات احتمالی، دیده اند.

■ سرباز وظیفه ای که در زانده امری تهران خدمت میکند، میگفت: "این پادگان ما اکثر اوقات جهت پیشگیری و مقابله با اعتصابات دانشگاه و کارخانجات جاده کرج، در حال آماده باش است و تحمل این وضع برای ما بسیار دشوار میباشد. علاوه برآن درگیری با مردم خودش یک عذاب روحی است".

این موضوع میتواند نشانه ای از تضادهایی باشد که رژیم در اعمال دیکتاتوری خفقان با آن روبروست.

■ دماوند:

در حوالی مهرماه اسما رژیم قریب ۸۰۰ نفر ضد چریک (چریک دولتی) را در اطراف شهر دماوند پیماده کرده است. این افراد به روستاهای اطراف رفته و ضمن اینکه بدنبال "خرابکار" می گشتند. روستائیان را از چریکها میترساندند و با بلسندگو میگفتند:

" اینها میخواهند اموال شما را بدزدند و آنها را آلوده کنند و مزارع را از میان ببرند." گویا به رژیم خبر رسیده بود که در اطراف شهر دماوند، گروههایی فعالیت دارند و بدنبال این خبر بود که اقدامات بالا صورت گرفت.

جمهوری دموکراتیک خلق یمن

در اوائل ماه فوریه گروهی مزدور بحمايت مرتجعین عرب و رژیم ضد خلقی ایران کوشیدند تا بمرزهای جمهوری دموکراتیک خلق یمن رخنه کنند. اما تلاش آنان با پایداری نیروهای ملیشیا، ارتش، پلیس و نیروهای خلق خنثی و آتن از آنان کشته شدند.

وزارت کشور جمهوری دموکراتیک خلق یمن، بیانیه ای در این خصوص صادر نمود که قسمتهایی از آنرا نقل میکنیم:

" در هفته جاری، گروهی از مزدوران که تعدادشان به ۱۵ نفر می رسید، کوشیدند که به بخش شمالی استان صوم نفوذ کرده و به اعمال خرابکارانه و مین گذاری جاده ها، بپردازند ولی نیروهای ملیشیا، پلیس و ارتش خلق از اقدام آنان جلوگیری نمود، آتن از آنان را کشتند و سلاحها و مواد منفجره آنان را مصادره نمودند. در این جریان یک نفر از نیروهای ملیشیا و یکی از افراد پلیس، قهرمانانه بشهادت رسیدند."

"... خلق ما با ایمان انقلابی و پیکار عادلانه اش، به کوششهای خود در راه تحقق برنامه های پیشرفت اقتصادی و اجتماعی و دفاع از دستاوردهای انقلاب، ادامه خواهد داد."

* * *

* P.O. BOX 246
CRATER ADEN
People's Democratic Republic of Yemen

— آدرس پستی: کمیته پشتیبانی از خلقهای ایران

* Account n° 59397
STEAMER POINT BRANCH
National Bank of Yemen
P. D. R. Y.

— آدرس بانکی: